

ورزش

شیر بی‌دندان در چنگال عقاب جوان

۱۴



پس لرزه‌های بازی بزرگ

۱۴



درباره کوچینگ جریان بازی کاپلو مقابل آلمان

۱۵



جنگ همسایه‌ها برای بقا

۱۶



به بهانه پخش مسابقات

جام جهانی در سینما آزادی

ضیافت

فوتبال



◀امیرقباد فرهی

یکی از مزایای خبرنگار بودن این است که در جریان اخباری قرار می‌گیرید که دیگران فردا خبرش را می‌خوانند. فردا را امروز می‌نویسی، امروز را دیروز. همین مزیت نسبی خبرنگاری سبب شد بعدازظهر یکشنبه به طور خیلی اتفاقی و بی‌برنامه به ضیافت جادوی سبز فوتبال بر پرده سفید سینما دعوت شوم و حالا امروز شما در جریان رویدادی قرار می‌گیرید که برای نخستین بار و با نمایش بازی جذاب دو رقیب دیرینه اروپایی آلمان – انگلیس در سینما آزادی به اجرا درمی‌آمد؛ تجربه‌ای که تحت تاثیر بازی زیبا و فراموش‌نشدنی دو تیم و با صحنه‌هایی به‌یادماندنی خاطره‌ای فراموش‌نشدنی را رقم زد؛ تجربه‌ای که آزمودنش را به دیگران توصیه می‌کنم.

■ **پله‌های بی‌پایان**

خرید بلیت سینما برای تماشای فوتبال یکی از جذابیت‌هایی است که به جام نوزدهم افزوده شد؛ جاذبه‌ای که بی‌شک تکرار آن نوید روزهایی بهتر برای با هم دیدن فوتبال را می‌دهد. هر چند تا دقایقی پیش از آغاز بازی هنوز میان فوتبال‌دوستانی که بلیت به دست داشتند شایعه‌ای دهان به دهان می‌گشت و آن احتمال لغو پخش فوتبال در سالن سینما بود اما سرانجام رویا به واقعیت بدل شد و پله‌های برقی سینما طبقه به طبقه میهمانان خود را به سمت طبقه پنجم و سالن شهر هفتم هدایت کرد؛ پله‌هایی که انگار شمار زیادشان به مذاق هواداران پراشتیاق فوتبال خوش نیامده بود.

■ **چگونه خبردار شدید**

دقایقی پیش از شروع بازی است و هیجانی که بیشتر در میان ۵۰ تا ۶۰ نفری که جلوی در سالن انتظار آغاز بازی را می‌کشند، موج می‌زند، اشتیاقی پیرامون تماشای بازی در سالن یکی از مدرن‌ترین سینماهای کشور است. در حالی که با توجه به بی‌خبری نهادینه‌شده خدوم حضور همین تعداد تماشاچی جای تعجب داشت، از خیلی‌ها در خصوص چگونگی مطلع شدن آنها از پخش فوتبال در سینما سوال کردم.

پاسخ‌ها حکایت از کوتاهی سینما در خبررسانی و پیگیری خود حاضران داشت. اولین نفر مرد جوانی بود که از ابتدای جام جهانی انتظار پخش فوتبال در سالن سینما را کشیده و با تماس تلفنی از به حقیقت پیوستن وعده مسوولان سینما آزادی مطلع شده بود. فرد دیگری از طریق اینترنت و سایت خود سینما و افراد دیگر نیز همچنین با پیگیری شخصی از این رخداد مطلع شده بودند. نکته جالب این بود که خبر کوتاهی که پیش از آغاز جام جهانی در سایت‌ها و برخی روزنامه‌ها منتشر شده بود و حکایت از تلاش مسوولان سینما برای اخذ مجوز پخش مسابقات مراحل حذفی جام نوزدهم در سالن سینما آزادی داشت، در ذهن این افراد مانده بود و در نتیجه نهایت پیگیری خود حاضران در سینما بود که ساعتی پیش از شروع دیدار آلمان و انگلیس شاهد گردهمایی این جمع بودیم. حضور همین تعداد افراد که بدون هیچ‌گونه تبلیغات و اطلاع‌رسانی خود را به سینما رسانده بودند خود نشان از آن دارد که استمرار پخش بازی‌ها از طریق سینما به زودی صفت پولی از مشتاقان را به پشت گیشه خواهد کشاند.کم‌اینکه بیشتر حاضران می‌گفتند: «تنوعی جایی، از فردا به بلیت گیر نمید.» شاید بلیت نیمه‌تهایی و فینال به این راحتی که این بار پا به سالن سینما گذاشتیم، مهیا نشود و از فردا بازار سبیه‌ی هم برای فروش بلیت نمایش بازی‌های پای بعد به راه افتد و پای دلالتان بلیت فوتبال به حاشیه خیابان وزرا باز شود.

■ **تجربه‌های مشابه**

چیزی که برای من تازگی داشت، برای چند نفر دیگر تکرار تجربه‌ای دوست‌داشتنی بود. یکی از حاضران در سالن می‌گفت: «مانی که هنوز شبکه سه راه‌اندازی نشده بود، در شهرستان ما مردم برای تماشای مسابقات به سینما می‌رفتند. آن زمان حتی فوتبال‌های لیگ دسته اول را هم در سینما نمایش می‌دادند.» اما او هم از اینکه پس از سال‌ها بار دیگر فرصت داشت تا در سالن سینما به تماشای بازی فوتبال بنشیند بسیار خرسند بود، شاید از آن رو که این تجربه می‌رفت که به فراموشی سپرده شود. خنمی هم از تماشای فوتبال در پارک و تجربه‌ای تقریباً مشابه آنچه پیش رو بود، سخن می‌گفت: «در

نقره‌ای

پرده

فوتبال



جام ۲۰۰۶ بازی ایران و مکزیک را در پارک دیدم.

شهرداری اسکرین بزرگی نصب کرده بود و مردم برای تماشای فوتبال جمع شده بودند ولی خیلی شبیه این نبود.» شاید یکی از تفاوت‌های این دو تجربه این بود که آن زمان به تماشای فوتبال ملی از پرده‌ای در پارک و در میان مردمی که با عرق ملی در یک مکان جمع شده‌اند و در شادی و حسرت‌ها با هم شریک هستند، نشسته بود و این بار به تماشای رویارویی هواداران دو تیم اروپایی در سالن سینمایی نبودند، به خصوص که یکی هوادار آرژانتین و دیگری

از طرفداران فوتبال اسپانیا بود و کمی آن‌سوتر دو جوان با پوشیدن لباس تیم ملی آلمان و با به همراه داشتن پرچم این کشور، هواداری خود را با غرور فریاد می‌کردند. با این حال آنچه به طور کلی در جمع حاضران حرف اول را می‌زد، اشتیاق به ذات فوتبال و تجربه در جمعی بزرگ‌تر به تماشای آن نبودن بود. فرصتی که بیشتر در جام جهانی ۲۰۰۶ و با پخش بازی‌های تیم ملی از تلویزیون‌های شهری مستقر در پارک‌های شهر تهران مهیا شده بود اما به دلیل مشکلاتی از جمله سیستم پخش صدا و مکان نامناسب برای نشستن و دلایلی از این دست با استقبال چندانی روبه‌رو نشد.

■ **هولیکان‌های تهرانی**

کری‌خوانی‌های قبل از بازی کمرنگ و بی‌رمق بود. انگار هنوز بخ هواداران آب نشده بود و ترجیح می‌دادند بعد از خاموش شدن چراغ‌ها اظهار وجود کنند. شاید یکی از دلایل خاموشی اولیه تماشاگرانی که به سینما آمده بودند، از تجربه‌ای نشأت می‌گرفت که برای بار نخست اتفاق می‌افتاد؛ تماشای فیلم در سکوت و بی‌صدا تنها خاطره‌ای است که آدم از با هم بودن در سینما با خود به خانه می‌برد. اما اینجا کسی برای تماشای فیلم نیامده بود. حس بالاتکلفی فوتبال‌دوستان با جمله‌ای که یکی از مسوولان سینما به تیم حراست گفت به پایان رسید. «کف و سوت آزاد، با کسی به خاطر سر و صدا برخورد نکنید.» و این حتی زمان وقوع گل انگلستان هواداران این تیم هم از لاک خود فریاد می‌کردند. با این حال آنچه به طور کلی در جمع حاضران حرف اول را می‌زد، اشتیاق به ذات فوتبال و تجربه در جمعی بزرگ‌تر به تماشای آن نبودن بود. فرصتی که بیشتر در جام جهانی ۲۰۰۶ و با پخش بازی‌های تیم ملی از تلویزیون‌های شهری مستقر در پارک‌های شهر تهران مهیا شده بود اما به دلیل مشکلاتی از جمله سیستم پخش صدا و مکان نامناسب برای نشستن و دلایلی از این دست با استقبال چندانی روبه‌رو نشد.

ترک کنند و ضمن ریکواری گلوهای گرفته خود، کری‌خوانی‌هایشان را ادامه دهند. بین دو نیمه بازار تحلیل داغ‌داغ بود و بحث سلب‌شده انگلستان برای به تساوی کشاندن این دیدار حیاتی پاشنه آشیل بحث. حرف‌های عادل فردوسی‌پور، گزارشگر مسابقه، پیرامون حاضر شدن بازیکنان انگلستان بر مزار کمک‌داور آذربایجانی سوژه خنده جماعت تماشاچی حاضر در سالن بود. این کمک‌داور در فینال جام ۱۹۶۶ گل همیشه مشکوک جف هرس مهاجم انگلستان را صحیح تشخیص داد و راه انگلستان را برای قهرمانی هموار کرد. شاید با جبران آن اشتباه توسط کمک‌داور پس از ۴۴ سال، خاطره این گل از ذهن هواداران ژرمن رخت بپrenدد.

■ **تجربه زنانه استادبوم**

حضور دخترانی که برای تماشای فوتبال به سینما آمده بودند، روی دیگری از این نمایش را عیان می‌کرد. دخترانی که هیچ یک تجربه حضور در استادبوم فوتبال را نداشت‌اند و همیشه به عنوان خواستهای مدنی به دنبال یافتن راهی برای حضور در استادبوم فوتبال و تشویق تیم مورد علاقه خود بوده‌اند، حضوری پررنگ در استادبوم شبیه‌سازی‌شده محبوب‌ترین سینمای پایتخت داشتند. اما سوال این بود که آیا آنها این تجربه را با احساس حضور در استادبوم یکی می‌دانند؟ و پاسخ‌ها تقریباً یکسان بود: «نه». دختران جوان با اینکه هیچ ک فضای استادبوم را از نزدیک لمس نکرده‌اند با قاطعیت از اختلاف فاحش این فضا با جو غالب در استادبوم فوتبال و با حضور توامان تماشاگر و تماشاگرنمای شیرین‌زبان و در بسیاری مواقع پرخاشگر، سخن می‌گفتند. یکی از آنها، حضور در این فضا یا حتی تجربه حضور در استادبوم فوتبال

را بیشتر از یک تجربه ورزش دوستانه، حرکتی اجتماعی می‌پنداشت. به نظر می‌رسید آنچه او را به تماشای فوتبال در سینما کشانده، نه شوق تماشای دیدار آلمان و انگلستان، که میل به تجربه‌ای اجتماعی در کنار فوتبال‌دوستان بود.

■ **برد ژرمن‌ها در نبرد آفریقا**

نیمه دوم با بوی ذرت پوداده شروع شد. هواداران دو تیم به جای قبلی خود بازگشتند و این بار شاره‌ای گروهی هم کم‌کم به گوش می‌رسید. سالن جوی پرشور و صمیمی را به وجود آورده بود. نیمه‌پر سینما هیچ‌گاه چنین بلوایی را تجربه نکرده بود. خروشی که با مصه‌در تیم حفاظتی و مسوولان سالن جوی پرشور و صمیمی را به وجود آورده بود. با گل‌های سوم و چهارم آلمان، کری‌خوانی‌ها شکل دیگری به خود گرفت و هر لحظه فضای حاکم بر سالن را به جو استادبوم شبیه‌تر می‌کرد؛ تجربه‌ای که با پایان بازی جذاب و دیدنی دو قدرت فوتبال دنیا آغاز خود را جشن می‌گرفت.

■ **حاشیه**

در آغاز بازی زمانی که عادل فردوسی‌پور گزارشگر بازی به بینندگان تلویزیونی سلام کرد عده‌ای به شوخی اعتراض کردند که ما تماشاگر سینمایی هستیم. تماشاگرنماها هنوز راه سینما را پیدا نکرده‌اند. هواداران انگلیس حاضر در سالن بعد از گل سوم آلمان و زمان پرتاب اوت به نفع تیم مطبوع‌شان علی‌علیزاده را فرما می‌خواندند و با پایان بازی با شعارهایی همچون با این همه ستاره والله خجالت داره یا با این همه هوادار والله خجالت داره از خجالت تیم محبوب‌شان درآمدند.

عده‌ای از هواداران انگلیس از دقیقه ۸۰ سالن سینما را ترک کردند. پس از پایان بازی عده‌ای برای رزرو بلیت بازی ساعت ۱۱ به سوی گیشه شتافتند.

سال پنجم ■ شماره ۹۹۹ ■ سه‌شنبه ۸ تیر ۱۳۸۹

◀ **پیرقلمه پلاژی‌های لمروری**

ژاپن پاراگوئه (ساعت ۱۸/۳۰، یک‌هشتم نهایی)

 اسپانیا پرتغال (ساعت ۲۳، یک‌هشتم نهایی)

◀ **پایان‌های**



هوشنگ نصیرزاده*

پارتی اسپانیایی‌ها

گریبان جام را گرفته

اشتباهات داوری در طول جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی اشتباهات بزرگی بوده و حتی از مسابقات یورو ۲۰۰۸ هم بیشتر و بدتر بوده است. به اعتقاد من فیفا در انتخاب داوران مسابقات اشتباه زیادی کرده است ضمن آنکه من بر این باور هستم که اسپانیایی‌ها یک پارتی بزرگ دارند. اسپانیایی‌ها توسط «ویارلونا» (رئیس فدراسیون فوتبال اسپانیا) رابطه خوبی با ریاست کمیته داوران فیفا دارند و این در حالی است که قضاوت بد جام جهانی بیشتر مربوط به داوران اسپانیایی است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۶ «کانتالخو» داور اسپانیایی که دیدار استرالیا – ایتالیا را قضاوت کرد یک پنالتی گرفت که هرگز اتفاق نیفتاده بود اما او هیچ‌گاه از داوری بر کنار نشد. امسال هم مالنکو داور اسپانیایی بازی صربستان – آلمان یک اخراج بی‌مورد در مورد کلوزه مهاجم آلمانی انجام داد. هرچند اکثریت کارشناسان فوتبال این اخراج را نادرست و بی‌مورد خطاب کردند اما دیدیم که داوری بازی کره شمالی– ساحل عاج و اسلواکی– هلند را باز هم به او سپردند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که داوران اسپانیایی از سوی فیفا حمایت می‌شوند. نمونه‌های زیادی در رابطه با خطاهای داوری در طول جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی وجود دارد. به طور مثال «ماتئوس آرت» کمک‌داور «ماسیمو بوساکا» سوئسی نتوانست آفساید اسلواکی – نیوزیلند را تشخیص دهد. در مثالی مشابه کمک‌داور دیدار آرژانتین – مکزیک هم آفساید آرژانتین را اعلام نکرد. در دیدار آلمان – انگلیس هم کمک‌داور در تشخیص تویی که یک متر داخل دروازه بود، ناکام ماند و این نشان می‌دهد که اشتباهات داوری به طور واضح روشن و قابل رویت است.

برخورد فیفا با داوران خطاکار غیرقابل پیش‌بینی است. به طور معمول این دسته از داوران پس از بازی سریعاً به کشور خود بازمی‌گردند و از قضاوت سایر دیدارها محروم می‌شوند اما بعید نیست که فیفا از این تصمیم صرف نظر کند و ما شاهد آن باشیم که همین داوران پراشتباه مجدداً در یک دیدار حضور پیدا کنند و به قضاوت بپردازند.

۲۹ گروه داوری وجود دارد که از این ۲۹ گروه پنج گروه ذخیره هستند و ۲۴ گروه حاضر. اگر کلیه گروه‌های داوری هم به دلیل خطاهای داوری از قضاوت محروم شوند از پنج گروه ذخیره برای قضاوت فینال مسابقات جام جهانی استفاده می‌کنند. اما حدس زدن در مورد اینکه چه گروه داوری به قضاوت مسابقه فینال خواهد پرداخت، کار دشواری است ولی من معتقدم اگر یک تیم از امریکای جنوبی و یک تیم از اروپا به فینال برسند شاید داور مسابقه «روشن ایرماتوف» باشد. اگر دو تیم اروپایی فینالیست باشند «اسکار روبیس» از کلمبیا داور خواهد بود و اگر هر دو تیم از امریکا باشند احتمالاً یک داور اروپایی مثل «ویکتور کاسایی» از مجارستان مسابقه را قضاوت خواهد کرد.

علت اینکه از داوران آسیایی در مسابقات جام جهانی کمتر استفاده می‌شود این است که فیفا به تجربه، قدمت فوتبال و حتی دانش فنی و تکنیکی اروپایی‌ها و امریکای‌جنوبی‌ها اعتقاد بیشتری دارد. و در نهایت معتقدم نماینده ایران در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی به خوبی قضاوت کرد. حسن کامران‌فر و «المرزوقی» از امارات بسیار خوب کار کردند و قضاوت آنها بی‌عیب بود اما بر این باور هستم که داور میدان «عمر الغمدی» به خوبی کار نکرده و نمی‌تواند آن تاثیرگذاری را که باید، داشته باشد. اگر این تیم داوری حذف شود به نظر من مقررش الغمدی است.

◀ **کارشناس داوری فوتبال**

◀ **پایان‌های**

عمید درخشان

نهایت آرزوی مارادونا

هرچند بازی دو تیم آرژانتین و مکزیک در مقایسه با بازی آلمان– انگلستان از نظر زیبایی در سطح پایین‌تری قرار داشت اما دو تیم سعی کردند بازی روان و باحوصله‌ای انجام دهند.

مکزیک در طول این دوره از بازی‌ها با سیستم ۳–۲–۳ به میدان آمد و در این دیدار هم همین‌گونه بود. آنها سعی کردند از ابتدای بازی تیم حریف را کنترل کنند و تا حدودی موفق بودند. خط میانی تیم مکزیک تمام تلاش خود را کرد تا سعی را از حرکت بیندازد اما اشتباه داور بازی باعث شد این تیم از نظر روحی و روانی بعد از گل اول به هم بریزد.

مکزیک امیدوار بود برعکس چهار سال گذشته بتواند بازی زیباتر و بهتری ارائه دهد اما گل آفساید آرژانتین تمام برنامه‌های سبزوپشان مکزیک را به هم ریخت. گل دوم آرژانتین هم به دلیل ضعف روحی و روانی‌ای بود که مکزیک دچار آن شده بود. آنها در تمام دقایق نیمه اول نتوانستند از شوک گلی که خوردند خارج شوند. برای همین مدافع این تیم دچار اشتباه شد و گل دوم را تقدیم هیگولین کرد.

مکزیک در نیمه دوم سعی کرد با اختیار گرفتن میانه میدان فاصله را کم کند. اما خلافتی بازیکنان آرژانتین این فرصت را از آنها گرفت و گل سوم تیس تمام ایده‌های مکزیک را ناامید کرد. هر چند آنها در ادامه بازی یکی از گل‌ها را پاسخ دادند، اما فرصتی برای جبران وجود نداشت.

در سوی دیگر میدان آرژانتین با سیستم ۱–۲–۴ به میدان آمد و باز هم مثلت تهاجمی سه بازی گذشته را دراختیار داشت که آنها تمام بار مسوولیت حمله این تیم را برعهده داشتند. آمادگی بالای تیس، هیگولین و مسی باعث شد تمام افکار سرمربی مکزیک بر مهار این سه بازیکن متمرکز شود. آرژانتین که در این دوره با دراختیار داشتن ستارگانی بزرگ که این مسابقات آمده، توانست با خلافتی بازیکنان، حاکم توب و میدان باشد. هر چند هنوز مسی نتوانسته قابلیت بالای این همه ستاره را در این بازی نشان دهد، اما توانسته با کمک به دو مهاجم تیم آرژانتین، روند خوبی داشته باشد.

آرژانتین بعد از گل سوم به خوبی انرژی خود را برای بازی بعدی حفظ و سعی کرد تا تجمع در یک‌سوم خط دفاعی تنها به دفع توپ بپردازد. فوتبالی که از دو تیم شاهد بودیم، بازی‌ای سرشار از کارهای تکنیکی بود که آرژانتین با توجه به ستارگان بزرگی که در اختیار دارد، توانست بازی را با پیروزی پشت سر بگذارد. آرژانتین چهار بازی در جام انجام داده است اما در هیچ کدام ردپایی از مارادونا و تاکتیک‌هایش وجود نداشت و تمام پیروزی‌ها را می‌توان به نام بازیکنان آرژانتین ثبت کرد، اما به طور قطع آلمان می‌تواند عیار تاکتیکی مارادونا و تیمش را بسنجد و بازی زیبایی را از این دو تیم شاهد خواهیم بود.

به نظرم مکزیک لیاقت این را داشت تا به این مرحله برسد اما آرژانتین می‌تواند با توجه به بازیکنان شایسته تا فینال مسابقات به راه خود ادامه دهد و صاحب سومین جام جهانی شود؛ اتفاقی که برای مارادونا نهایت آرزو است. البته در این بازی نباید به راحتی از اشتباه داوری گذشت؛ اشتباهی که روی نتیجه بازی تاثیر زیادی داشت.